

جین ایر

۱۱۲ ۱۱۰۲
۹۰۹۱۲۰

نویسنده:

شارلوت برونته

مترجم:

شعله مرادی

سرشناسه	برونته، شارلوت، ۱۸۱۶ - ۱۸۵۵ م Bronte, Charlotte
عنوان و نام پدیدآور	جین ایر / نویسنده شارلوت برونته؛ مترجم شعله مرادی.
مشخصات نشر	تهران: معرفت؛ زبان آموز. ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۷۰ ص.
شابک	۵۵۰۰ ریال : ۸-۲۳-۶۱۵۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Jane Eyre, ۲۰۰۳
موضوع	داستان های انگلیسی - قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده	مرادی، شعله & ۱۳۵۷-۰ مترجم
رده بندی کنگره	الف ۱۳۹۰ ج ۴۹ ب/PZ۳
رده بندی دیویی	۸۲۳/۸
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۸۷۰۱۹

انتشارات معرفت و زبان آموز

تهران، خیابان انقلاب، اول، سال شیرازی، نیش کوچه نابیی، پلاک ۲۵
تلفن: ۶۶۴۹۵۱۴۳ تلفکس: ۶۶۴۹۱۲۰۹

عنوان کتاب: جین ایر

نویسنده: شارلوت برونته

مترجم: شعله مرادی

ویراستار: صادق خسروخواه

حروفچینی و صفحه آرایی: ه سوری (۹۱۲۵۶۲۰۸۲۵)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

تیراژ ۵۰۰۰ عدد

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ: شرکت تعاونی چاپ و نشر معرفت

شابک: ۸-۲۳-۶۱۵۸-۹۶۴-۹۷۸

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۵	فصل اول: گیتس هد
۲۱	فصل دوم: اتاق قرمز
۲۷	فصل سوم: بیماری
۳۳	فصل چهارم: آقای براکله‌رست
۳۹	فصل پنجم: سفر با کالسکه
۴۳	فصل ششم: یهیم خانه لاوود
۵۳	فصل هفتم: هلن برنز
۵۹	فصل هشتم: دیداری با آقای براکله‌رست
۶۵	فصل نهم: خانم تمپل
۷۱	فصل دهم: مرگ هلن
۷۵	فصل یازدهم: آگهی برای شغل
۸۱	فصل دوازدهم: در ترن فیلد
۸۵	فصل سیزدهم: خنده عجیب
۹۱	فصل چهاردهم: در راه
۹۷	فصل پانزدهم: گفتگو با آقای رچستر
۱۰۳	فصل شانزدهم: آتش
۱۱۱	فصل هفدهم: گریس پول
۱۱۷	فصل هجدهم: میهمانی در خانه
۱۲۱	فصل نوزدهم: در اتاق پذیرایی
۱۲۷	فصل بیستم: غیب‌گویی
۱۳۱	فصل بیست و یکم: غیب‌گو
۱۴۳	فصل بیست و دوم: فریادی در شب
۱۴۹	فصل بیست و سوم: سپیده دم
۱۵۷	فصل بیست و چهارم: خبری از گیتس هد

۱۶۳	فصل بیست و پنجم: راز خانم رید
۱۷۱	فصل بیست و ششم: باز گشت به ترن فیلد
۱۷۵	فصل بیست و هفتم: طوفان در هم می‌شکند
۱۸۱	فصل بیست و هشتم: ترن ویل
۱۸۷	فصل بیست و نهم: ازدواج متوقف می‌شود
۱۹۱	فصل سی‌ام: داستان آقای رچستر
۱۹۹	فصل سی و یکم: پرواز
۲۰۱	فصل سی و دوم: المادی
۲۰۹	فصل سی و سوم: خانواده ریورز
۲۱۷	فصل سی و چهارم: دینا، مری و جان
۲۲۱	فصل سی و پنجم: مدرسه دهکده
۲۲۵	فصل سی و ششم: وارث
۲۲۹	فصل سی و هفتم: عمه زاده‌ها
۲۳۵	فصل سی و هشتم: باز گشت مری و دینا
۲۴۱	فصل سی و نهم: جین! جین! جین!
۲۴۷	فصل چهلم: نابودی
۲۵۱	فصل چهل و یکم: نابینا
۲۵۷	فصل چهل و دوم: معجزه‌ای در این ساعت
۲۶۳	فصل چهل و سوم: کسی که همیشه عاشقش بودم
۲۶۹	فصل چهل و چهارم: پایان

شارلوت برونته^۱ (۱۸۵۵-۱۸۱۶) مشهورترین عضو یک خانواده بسیار نامتعارف بود که در روستایی واقع در قسمت شمالی انگلیس در قرن نوزدهم زندگی می‌کرد. پدرش کشیشی ایرلندی و مادرش اهل کرن وال^۲ بود، زمانی که کوچکترین فرزندش هنوز نوزاد بود دار فانی را وداع گفت. دو خواهر بزرگترش هم در بچگی فوت کردند. تنها پسر خانواده، که انتظار می‌رفت در آینده هنرمند یا نویسنده‌ای مشهور شود، با وجود سعی و تلاش فراوان در تمام مراحل زندگی ناموفق بود و در سی سالگی درگذشت.

سه خواهر دیگر یعنی شارلوت، امیلی^۳ و آن^۴ همگی نویسنده شدند و رمان جین/ایرثر شارلوت یکی از مشهورترین رمان‌های انگلیسی در قرن نوزدهم بود و از زمان چاپ اول در سال ۱۸۴۷ هنوز مشهور است. این سه خواهر در کودکی اکثراً در خانه نگه داشته می‌شدند و کمتر با محیط بیرون از خانه، یعنی خانواده‌های دیگر و یا افراد خارج از دهکده

1 - Charlotte bronte

2 - Corn Wall

3 - Emily

4 - Anne

در ارتباط بودند. آنها و برادرشان داستان‌هایی با شخصیت‌های خیالی در سرزمین‌هایی خیالی برای یکدیگر می‌ساختند. آنها نقشه‌ی این سرزمین‌ها را می‌کشیدند و شخصیت‌هایی خلق می‌کردند که اعمال خشن، مهیج و خطرناک از آنها سر می‌زد. این دنیای خیالی که شارلوت آن را "دنیای پایینی" می‌نامید، راهی برای فرار از دنیای کسالت‌آور و محدود آنها بود. راه دیگر فرار با مطالعه کردن بدست می‌آمد و چون شانس کمتری برای خواندن کتاب‌های جدید داشتند، اکثر رمان‌ها و شعرهایی که می‌خواندند مربوط به اوایل قرن بود که در آنها بیشتر نویسندگان اهمیت زیادی برای عواطف و احساسات قائل بودند. (مخصوصاً احساسات قوی و دراماتیک) و در ضمن برای طبیعت هم اهمیت ویژه‌ای قائل بودند (مخصوصاً طبیعت زیبای وحشی). رمان‌های آنها هم بیشتر از همین کتاب‌ها و همچنین داستان‌های ساختگی خودشان نشأت می‌گرفت و با دیگر آثار آن زمان بسیار متفاوت بود چون در دهه ۱۸۴۰ رمان‌ها بسیار با مبادی آداب نوشته می‌شد. نسل اول خوانندگان کتاب "جین ایر" اکثراً بعد از خواندن کتاب "شگفت زده" می‌شدند، مخصوصاً وقتی می‌فهمیدند که نویسنده کتاب یک خانم است. (شارلوت کتاب خود را اولین بار با نام دیگری چاپ کرد.) بدون شک قهرمان زن این داستان با داستان‌های دیگری که در آن زمان نوشته می‌شد کاملاً متفاوت است. او از زیبایی عروسک‌گونه محبوب آن زمان برخوردار نیست، ولی فکری روشن و قوی دارد. او حتی در موقعیت‌های دراماتیک و وحشت‌آور داستان، آرامش

خود را حفظ می‌کند و براحته عصبی یا شوکه نمی‌شود، حتی وقتی که متوجه می‌شود مردی که در صدد ازدواج با اوست به جز او همسر دیگری دارد. او برای ادامه زندگی به کار کردن و محبت‌های اطرافیانش نیاز دارد ولی از خیلی جهات کاملاً مستقل عمل می‌کند و به صراحت عقایدش را برای دیگران مطرح می‌کند، به اعتماد به نفسش بهاء می‌دهد و از خواندن کتاب لذت زیادی می‌برد. از همه مهم‌تر، شخصیت او خوانندگان نسل اول کتاب را متعجب می‌کند چون احساسات پرحرارتی دارد و عشق خود را با صراحت به رچستر^۱ ابراز می‌کند. البته پیش از این که آقای رچستر به او ابراز عشق کرده و از او درخواست ازدواج کند. خواننده‌ای که انتظار دارد قهرمان داستان زنی آرام و مبادی آداب باشد با یک معلم سرخانه فقیر و ساده‌ای مواجه می‌شود که عشق بی‌پایانش را به رئیس خود برای ازدواج با او ابراز داشته و این از جنبه‌های مهیج و شگفت‌انگیز داستان است. جین^۲ راوی داستان است و در طی داستان با اشخاص و مکان‌هایی آشنا می‌شویم که روی او تأثیر می‌گذارند و احساسات او را دست‌خوش حوادث گوناگون می‌کنند. او در ابتدای داستان مورد سرزنش و ملامت قرار می‌گیرد و در طول داستان به عنوان شخصیتی نشان داده می‌شود که به خاطر استقلال فکری و تعهد اخلاقی قوی‌اش شایسته تحسین است. نکته بسیار مهم اینجاست که او و آقای

1 - Rochester

2 - Jane

رچستر با اینکه هر دو تندخو هستند ولی هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ احساسی با یکدیگر مطابقت دارند. وقتی او به رچستر می‌گوید که عاشق اوست جین می‌گوید این روح من است که با روح شما صحبت می‌کند یا وقتی که رچستر به او می‌گوید که صدای او را در باد شنیده که به او جواب می‌دهد او می‌گوید: "با تمامی وجودم باور دارم که ما یکدیگر را ملاقات کردیم". شارلوت با نشان دادن ارتباط احساسی و روحی بین این دو نفر به ما می‌گوید با این که رچستر در بعضی حالات شخصیتی خشن و تندخو دارد ولی وجود او سرشار از عشق جین است. آقای رچستر نمونه بارز قهرمانی محبوب در اوایل قرن نوزدهم میلادی است که حتی هنوز هم در میان مردم از محبوبیتی خاص برخوردار است. او زندگی پرمخاطره‌ای دارد و رفتارش خارج از قواعد ادب و نزاکت و در خیلی از موارد خشن است. برای مثال اولین ملاقاتش با جین در حالی رخ می‌دهد که او در حال ناسزا گفتن است. شخصیت او در این داستان سمبلی از غرور و انرژی و هیجان است و این عناصر احتمالاً او را شخصی هم‌دل و غم‌خوار معرفی نمی‌کند ولی در طول داستان معلوم می‌شود که او از رازی نهفته برخوردار است که باعث رنج و عذاب اوست و تصمیم دارد زندگی دوباره‌ای با جین آغاز کند. به عنوان قهرمان داستان یکی از جذابیت‌هایش این است که با وجود تمام قدرتی که دارد در برابر زنی که از جان و دل دوستش دارد کاملاً ضعیف است. در ابتدای داستان می‌بینیم که احساسات او نسبت به جین باعث وابستگی‌اش به او

می‌شود، بطوری‌که از جین به عنوان تنها شانس خوشبختی در زندگی‌اش یاد می‌کند. در انتهای داستان وقتی که او مردی نابینا و درمانده شده است جین باید با دستان خود او را هدایت و حمایت کند، وابستگی کامل او به جین کاملاً مشهود است. نقطه عطف داستان در عشق بین رچستر و جین نهفته است و وقتی آن دو یکدیگر را ملاقات می‌کنند دیگر شخصیت‌ها و رخدادها در مقایسه کمرنگ می‌شوند. ولی شاید یکی از جالب‌ترین شخصیت‌های این داستان سنت جان ریورز^۱ باشد، او از لحاظ شخصیت و ظاهر نقطه مقابل رچستر است، ضمن اینکه از شخصیتی سرد برخوردار است تأثیری که روی جین دارد کاملاً متفاوت با رچستر است. تأثیر او به گفته جین آزادی فکر را از او می‌گیرد و این با حس آزادی و شادابی که رچستر به او می‌بخشد کاملاً متفاوت است. در داستان تمام مردانی که تأثیر زیادی روی جین دارند، آقای رچستر، سنت جان ریورز، آقای براکلهرست^۲ و جان رید^۳، هر کدام به گونه‌ای از شخصیت پر قدرتی برخوردارند. به علاوه بین زنان داستان، یعنی هلن برنز^۴ ادل وارنر^۵، بلانچ اینگرام^۶ و دایانا ریورز^۷، هم از جهت شخصیتی و هم از جهت موقعیت اجتماعی، اختلاف‌های زیادی وجود دارد.

1 - St John Rivers

2 - Mrs Brocklehurst

3 - John Reed

6 - Helen Burns

7 - Adele Varens

8 - Blanche Ingram

9 - Diana Rivers

تمامی مردان داستان از طبقه اجتماعی یکسانی برخوردارند ولی شخصیت‌های زنان شامل مستخدمین بسی و هانا و هم‌چنین شخصیت‌های دیگر نظیر خانم اینگرام متفاوتند.

همین‌طور اولین همسر آقای رچستر که انسانی واقعی به شمار نمی‌آید و داستان هم هرگونه ابراز همدردی با وی را دشوار می‌کند. او همچون یک حیوان درنده خطرناک و وحشی است و این موضوع در داستان به روشنی نشان داده می‌شود. او در جایی میسون را گاز می‌گیرد و سعی دارد خونسش را بسکد و جین هم او را به سیمای یک حیوان ترسیم می‌کند. در داستان می‌بینیم که آقای رچستر می‌خواهد با جین که به او عشق می‌ورزد و با تمام وجود دوستش دارد ازدواج کند ولی جدا شدن از زن اولش برای او غیر ممکن است. باوجود اینکه همسر اولش را زندانی کرده است ولی خود او در زندانی گرفتار است که وی برایش ساخته است. موضوع جالب این که آن زن در اتاق تاریک نگهداری می‌شود و کاربرد نور و روشنایی و همچنین تاریکی نقش مهمی در فضای داستان دارد، از هوای گرفته و اتاق تاریک در گشت ۱ در اول داستان گرفته تا آغاز اولین روز جین در ترن فیلد^۲ با طلوع آفتاب و هم‌چنین در فرن دان^۳ بعد از بازگشت نزد آقای رچستر. همین‌طور در

1 - Gates head

2 - Thorn field

3 - Fern dean

مورد مکالمه‌های احساسی شخصیت‌های داستان هم دیدگاهی مشابه می‌توان داشت. مثلاً جین در مورد لبخند آقای رچستر می‌گوید: "پرتوی واقعی از احساسات است" و وقتی که از مصاحبت با او و بودن با وی لذت می‌برد می‌گوید: "او روشنایی را به زندگی من برگرداند." و این کاملاً با انتهای داستان مطابقت می‌کند که این نور به سمت تاریکی‌های آقای رچستر می‌گراید. چرا که او دید چشمانش را دوباره باز می‌یابد. البته این اتفاق چندی پس از ازدواج شادمانه او با جین رخ می‌دهد. منتقدینی که در مورد این داستان مطلب نوشته‌اند از آن انتقاد می‌کنند چون علی‌رغم مناسب بودن ورود برخی رویدادها در داستان رخ دادن آنها در زندگی واقعی عملاً امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال این غیرممکن است که خانم تمپل تعریف آقای لوید^۲ که داروفروشی معمولی است و در جایی دور زندگی می‌کند را شنیده باشد. یا وقتی که جین مسافتی طولانی از خانه دور می‌شود نتواند تقاضای سر پناه کند آن هم از افرادی که بعداً متوجه می‌شود از اقوامش هستند در حالی که در ابتدای امر هیچ‌گونه آشنایی با آنها ندارد. دیگر انتقادات مربوط به این است که بعضی از حوادث و شخصیت‌های داستان خیلی مشابه تجربیات خود شارلوت هستند. به عنوان مثال در مورد یتیم‌خانه لاوود^۳ و هلن برنز، که دقیقاً مانند مدرسه‌ای است که او در آن درس می‌خوانده است و

1 - Miss Temple

2 - Lioyd

3 - Lowood

شخصیت هلن هم‌چون شخصیت خواهر بزرگتر اوست که در آنجا فوت کرد. دیگر حوادث نیز از تجربیات وی در زمانی که معلم سرخانه بود نشأت می‌گیرند. مهم‌ترین موضوعی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که شارلوت برونته توانسته است مردم را همراه با خواندن کتاب وادار به بار و قبول حوادث داستان کند و در ضمن توانسته آنها را ترغیب به خواندن ادامه داستان کند. جذابیت داستان در کلیات و جزئیات آن نیست بلکه در همدردی‌ها و علایقی که توسط قهرمان زن داستان خلق می‌شود، نهفته است. گرچه ممکن است او شخصیتی درمانده، فروتن و ساده و رک‌گوشی شود ولی این قدرت را دارد که عقایدش را به جان رید، حتی موقعی که از جانب او احساس خطر می‌کند، با نگاهی بفهماند. او از استقلال فکری لازم برخوردار است که می‌تواند با لحنی تلخ به تفاوت بین مدل موهای شاگردان در یتیم‌خانه لاوود و مدل موهای همسر و دختران آقای براکلهurst اشاره کند. هم‌چنین او از روحیه قوی برخوردار بوده که می‌تواند به مردی قدرتمند و ثروتمند که عاشقش است بگوید "من انسانی آزاد با افکاری مستقل هستم." از تمام گفته‌ها نتیجه می‌شود که جذابیت این داستان در تصویر پرشور عشق بین جین و آقای رچستر شکل می‌گیرد که بعد از صحنه‌های غم‌انگیز و مشکلات و سختی‌ها پایانی شاد و فرح‌بخش دارد.